

تحلیلی جغرافیایی بر جریان‌های متقابل روستایی-شهری

مطالعه‌ی موردی: مرودشت و روستاهای پیرامونی

تاریخ پذیرش مقاله: ۹۰/۱/۲۵

تاریخ دریافت مقاله: ۸۹/۱۲/۱۵

علی شمس‌الدینی* (مربی جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت، ایران)
علی شکور (استادیار جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت، ایران)
محمد رضا رضایی (استادیار جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت، ایران)
لیلا پناهی (استادیار جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت، ایران)

چکیده

ناحیه به‌منزله‌ی یک سیستم جغرافیایی که متشکل از شهرها و روستاهای پیرامون آن‌هاست، ضمن داشتن جریان‌های اقتصادی-اجتماعی و سیاسی-مذهبی بانواحی سکونتگاهی بالادست، عناصر و قسمت‌های مختلف آن ناحیه به شکلی نظام‌آورد دارای بده‌بستان، ارتباط و پیوندهای متقابل با یکدیگر می‌باشند. این گونه‌جریان‌های شهری-روستایی با تکیه بر نقش و کارکرد شهرها و روستاهای درون هر ناحیه موجبات تحول و تأثیرگذاری بر کلیه ابعاد فضایی سکونتگاه‌ها را فراهم نموده‌است. این پژوهش بر آن است که به روش توصیفی-تحلیلی ارتباطات متقابل بین شهر مرودشت و روستاهای پیرامون آن را مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار دهد. روستاهای کناره، فتح‌آباد و مجدآباد از بخش مرکزی ناحیه؛ به‌عنوان نمونه موردی تحقیق برگزیده شده‌اند. روش جمع‌آوری اطلاعات مبتنی بر مطالعات کتابخانه‌ای و میدانی از جمله تکمیل پرسشنامه، مشاهده، مصاحبه با اهالی روستاها و از جمله نظایر این‌هاست. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که: مرودشت به‌عنوان یک شهر میانی و قطبی بزرگ به لحاظ تجمع امکانات، سرمایه و نیروی انسانی در منطقه ضمن تسلط و برتری نسبی بر ناحیه دارای ارتباطی دو سویه با نقاط روستایی پیرامون خود می‌باشد. به‌عبارت دیگر مرودشت با ارائه خدمات و تسهیلات معیشتی-رفاهی مورد نیاز روستاهای حوزه نفوذ خود و نیز خرید محصولات تولیدی روستائیان؛ ضمن فراهم نمودن شرایط رشد و پویایی روستاها موجب ایجاد تغییرات کالبدی-فضایی در آنها را سبب شده است. از سوی دیگر ساکنین روستاهای مورد مطالعه نیز با برقراری جریان‌های اقتصادی و اجتماعی-فرهنگی، بده‌بستان‌های تجاری و سرمایه‌گذاری در بخش‌های تولیدی، بازار و مسکن شهری زمینه‌های پویایی اقتصاد و رشد شهر مرودشت و نیز تغییر و توسعه در روستای خود را ضمن «وابستگی به شهر» به طور نسبی فراهم نموده‌اند.

واژه‌های کلیدی

ناحیه، ارتباط فضایی، روابط متقابل شهر و روستا، شهر مرودشت

* نویسنده مسئول: A_Shamsoddini@miau.ac.ir

۱- مقدمه

۱-۱- بیان مسأله

در علم جغرافیا یک ناحیه، تنها یک سیستم کارکردی از سکونتگاه‌های گوناگون نیست، بلکه این سیستم ناحیه‌ای، از شکل‌گیری شبکه‌های اجتماعی، اقتصادی و طبیعی با کنش متقابل نیز می‌گیرد و از آن تاثیر می‌پذیرد. روند کنش متقابل، از طریق روابط این سکونتگاهها انجام می‌شود. روستاها، شهرهای کوچک، شهرها و مادرشهرها در یک شبکه تعامل اجتماعی، داد و ستد متقابل، خدمات، کالاها، تولیدات، فرآورده‌های کشاورزی و عرضه عقاید به هم می‌رسند (شکوئی، ۱۳۷۹: ۲۶۷). به عبارت دیگر در نواحی مختلف، سازمان فضایی، حاصل تعامل درازمدت جوامع انسانی و ساختار طبیعی نواحی است که روستاها و شهرها عناصر اصلی آن را تشکیل می‌دهند. از همین رو، پویایی یک سازمان فضایی، متأثر از نقش و کارکردهای سکونتگاههای شهری و روستایی و همچنین روابط، مناسبات و پیوندهای بین شهرها و روستاها می‌باشد، که به وسیله جریان افراد، کالاها، پول، اطلاعات و الگوهای متنوع شغلی انجام می‌پذیرد (سعیدی، ۱۳۸۲: ۸۴-۸۱ و Lynch, 2005: 2).

بنابراین «ناحیه» یک نظام پراکنده و بی‌ارتباط نیست، بلکه شبکه‌ای به هم پیوسته از روابط اجتماعی، اقتصادی و فیزیکی است که از طریق روابط بین نقاط روستایی و شبکه شهری درون آن شکل می‌گیرد. بر این اساس میان مراکز جمعیتی ناحیه روابط متقابل و جریاناتی از مناسبات اقتصادی- اجتماعی و بده‌بستان‌های تجاری برقرار است که بدون این پیوندهای فی‌مابین حیات ناحیه از پویایی و حرکت بازمانده نمی‌تواند مسیر رشد و توسعه متوازن را پیماید. همچنین عدم ارتباط و یا یکسویه بودن این جریانات به سود جامعه شهری و یا روستایی در گذر زمان نیز به مرگ تدریجی ناحیه و یا یکی از کانون‌های سکونتگاهی درون ناحیه خواهد انجامید.

بر پایه مباحث مطرح شده؛ شهرها و روستاها به‌عنوان مراکز اصلی تجمع انسان‌ها و شکل- دهنده اصلی بنیان‌های جغرافیایی یک ناحیه می‌باشند؛ که دارای روابط خاص با تکیه بر ویژگی‌های اقتصادی- اجتماعی و فضایی با یکدیگر هستند. این کانون‌های سکونتگاهی که در گذر تاریخ و به تبعیت از شرایط مکانی و زمانی آن‌ناحیه شاهد دگرگونی‌های اساسی در ساختار و کارکرد خود بوده‌اند. به دنبال تغییر در فضای محیطی اینگونه جوامع؛ روابط، پیوندها و نوع مناسبات میان این دو عرصه جمعیتی نیز دستخوش تحولات بنیادین گردیده است (ضیاء‌توانا و همکاران، ۱۳۸۹: ۴۷). به عبارت دیگر وجود انواعی از رابطه و پیوند فضایی میان شهر و روستا در کشورهای مختلف به ویژه در

جوامع در حال توسعه با ظرایف و دامنه حداکثری و حداقلی از جریان‌های فی‌مابین مؤید نقش و جایگاه این‌گونه ارتباطات متقابل در نظم‌دهی به فضاهای جغرافیایی نواحی مختلف است.

در این پژوهش که با رویکردی کاربردی و با هدف شناسایی و بررسی جریان‌های و روابط متقابل شهر مرودشت به‌عنوان یک کانون بزرگ در منطقه با روستاهای پیرامون آن انجام گرفته است، تلاش است با روش تحلیلی-توصیفی و با تکیه بر جمع‌آوری آمار و اطلاعات کتابخانه‌ای و میدانی روند جریان‌های و روابط اقتصادی-اجتماعی، اداری و کالبدی میان شهر مرودشت و سکونتگاه‌های روستایی پیرامون این ناحیه را با موردشناسی سه روستای کناره، فتح آباد و مجدآباد به‌عنوان مراکز دهستان از توابع بخش مرکزی شهرستان مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار دهیم. بدین منظور سؤال و فرضیه زیر در راستای پژوهش مطرح می‌شود:

- مکانیزم حاصله از روابط میان شهر مرودشت و روستاهای پیرامون آن چگونه است؟ و این روابط چه تأثیری در ابعاد فضایی شهر و روستاها داشته است؟
- روستاهای ناحیه دارای ارتباطی دو سویه با شهر مرودشت می‌باشند، که این روابط با تسلط و گسترش شهر بر ناحیه پیرامونی و همچنین برخورداری نسبی جوامع روستایی از برخی خدمات همراه بوده است.

۱-۲- اهداف

با پذیرش این مطلب که شهرها و روستاها دو جزء لاینفک و به هم وابسته در درون یک نظام سکونتگاهی ناحیه محسوب می‌شوند، میان این دو عنصر ساختاری-کارکردی ارتباط و جریان‌های یک، دو و یا چند جانبه وجود دارد. از این‌رو پژوهش حاضر با هدف بررسی و تحلیل روابط متقابل اقتصادی، اجتماعی، اداری و کالبدی-فضایی شهر مرودشت با روستاهای پیرامون انجام گرفته است.

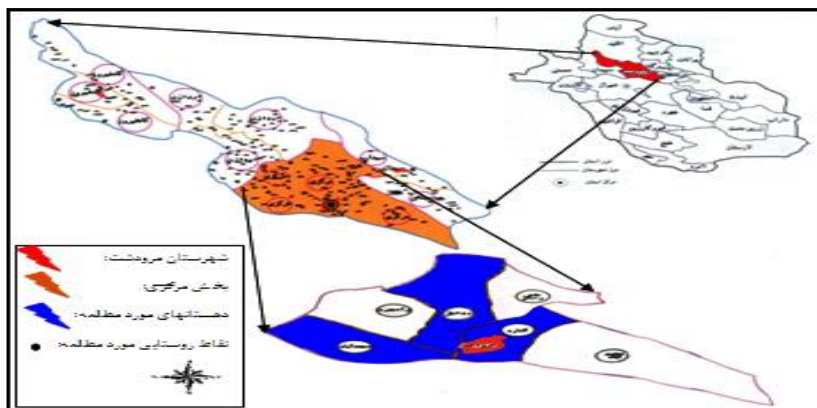
۱-۳- روش تحقیق

روش تحقیق در پژوهش پیش‌رو توصیفی-تحلیلی مبتنی بر بررسی ارتباطات فضایی میان شهر مرودشت و روستاهای ناحیه می‌باشد. در این راستا جریان‌های اقتصادی شامل تولیدات، پول، کالاها، خدمات و ابعاد اجتماعی-فرهنگی و اداری به‌عنوان جریان‌های رایج میان مراکز شهری و روستایی به‌صورت ترتیبی سنجش شده و میزان ارتباط هر روستا با مرکز شهر مورد تحلیل قرار گرفته است. تکیه‌گاه اساسی و شیوه جمع‌آوری داده‌های تحقیق، مطالعات اسنادی (کتابخانه‌ای) در جهت تبیین نظریه روابط متقابل شهر و روستا و جایگاهی که اینگونه جریان‌های در تعادل بخشی سطوح ناحیه ایجاد

می‌کنند، و نیز استفاده از آمارهای جمعیتی، اقتصادی، اجتماعی و خدماتی شهر مرودشت و روستاهای مورد مطالعه می‌باشد. همچنین در بخش تهیه داده‌ها به صورت میدانی از شیوه‌هایی همچون مشاهده، مصاحبه و انجام پرسشنامه و حضور در نقاط سکونتگاهی مورد مطالعه استفاده شده است. مجموعه روستای دهستان‌های کنار، رودبال و مجدآباد از توابع بخش مرکزی شهرستان مرودشت که شامل ۴۰ روستا است، به عنوان محدوده مورد بررسی این تحقیق برگزیده شده‌اند. با توجه به حجم بالای جامعه آماری اقدام به نمونه‌برداری از روستاها شده است. بدین ترتیب و با توجه به عواملی همچون تابعیت سیاسی-اداری، فاصله از شهر، جمعیت و میزان ارتباطات متقابل، سه روستای کنار، فتح‌آباد و مجدآباد به عنوان مراکز دهستان‌ها که دارای بیشترین ارتباط با شهر هستند؛ به عنوان نمونه مورد مطالعه تحقیق انتخاب گردید. سرپرست خانوارهای روستاهای مورد مطالعه، جامعه آماری مورد پرسشگری این پژوهش را تشکیل داده است. به منظور تحلیل دقیق‌تر تعداد ۱۲۰ خانوار به عنوان حجم نمونه انتخاب شد. که از طریق نمونه‌گیری سهمیه‌ای سهم خانوار هر روستا به نسبت تعداد خانوارهای سه روستای نمونه تعیین و نهایتاً از طریق نمونه‌گیری تصادفی ساده به امر پرسشگری مبادرت گردید.

۴-۱- قلمرو پژوهش

ناحیه مورد مطالعه متشکل از شهر مرودشت به عنوان مرکز شهرستان مرودشت یکی از ۲۶ شهرستان استان فارس می‌باشد؛ که در فاصله ۴۸ کیلومتری شمال شرقی شیراز و در ارتباط با محور اصلی شیراز- اصفهان قرار گرفته است. همچنین نواحی روستایی پیرامون این شهر در محدوده دهستان‌های کنار، رودبال و مجدآباد از توابع بخش مرکزی مورد مطالعه قرار می‌گیرد (نقشه ۱).



نقشه ۱- موقعیت جغرافیایی ناحیه مرودشت و روستاهای مورد مطالعه، ۱۳۸۸

تحولات جمعیتی شهر مرودشت در مقاطع سرشماری‌های موجود، حاکی از تلاطم و تغییرات رشد شهر به تبعیت از شرایط اقتصادی و اجتماعی منطقه بوده است. به طوریکه جمعیت این شهر از ۸۷۹۷ نفر در سال ۱۳۳۵ به ۱۲۴۳۵۰ نفر در سال ۱۳۸۵ رسیده است. بر اساس اطلاعات موجود نرخ رشد شهر مرودشت در طی ۵۰ سال اخیر (۸۵-۱۳۳۵) ۵/۴۵ بوده است (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۵-۱۳۳۵). علت این امر مهاجرپذیری طولانی مدت در این شهر است که در مقایسه با مراکز و نواحی سکونتگاهی شهرستان جاذبه فراوانی را جهت جذب مهاجرین روستایی کسب نموده است (ابراهیم‌زاده و همکاران، ۱۳۸۸: ۵۴). به عبارت دیگر تجمع امکانات و تسهیلات معیشتی- رفاهی در شهر مرودشت در کنار محرومیت نسبی و کمبود خدمات و امکانات زیستی- تولیدی و رفاهی در پاره‌ای از روستاهای شهرستان به ویژه آبادی‌های کوچک و با فاصله از مرکز، موجبات مهاجرت روستاییان به مرودشت و گسترش فضایی این شهر طی دهه‌های اخیر شده است (بذرافشان و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۰۷).

روستاهای مورد مطالعه شامل مراکز دهستان‌های کناره، رودبال و مجدآباد به نام‌های کناره با ۷۰۷۵ نفر جمعیت، فتح‌آباد با ۴۸۲۸ نفر و مجدآباد با ۴۵۰۰ نفر سکنه از توابع بخش مرکزی شهرستان مرودشت می‌باشد (جدول ۱).

جدول ۱- میزان جمعیت و فاصله روستاهای مورد مطالعه از شهر مرودشت

دهستان	تعداد آبادی	جمعیت دهستان	روستای مورد مطالعه	جمعیت روستا	تعداد خانوار	بعد خانوار
کناره	۱۷	۱۷۰۰۰	کناره	۷۰۷۵	۱۶۳۵	۴/۳
رودبال	۱۲	۱۴۰۰۰	فتح‌آباد	۴۸۲۸	۱۲۱۹	۴
مجدآباد	۱۱	۱۱۰۰۰	مجدآباد	۴۵۰۰	۸۵۰	۵/۲

مأخذ: بخش‌داری مرکزی شهرستان مرودشت، ۱۳۸۹

۲- ادبیات و مبانی نظری

۲-۱- ارتباطات فضایی شهر و روستا

اگر مجموعه سکونتگاه‌های انسانی را در یک بستر فضایی به عنوان چشم‌انداز فرهنگی حاصل از تعامل بین انسان و محیط در نظر بگیریم، در «یک کلیت یکپارچه عوامل و فرایندهای طبیعی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، تاریخی و سیاسی- ایدئولوژیک به صورت متغیرهای مختلف بر یکدیگر

¹ . Spatial Interaction

اثر گذاشته‌اند» (صرافی، ۱۳۶۴: ۱۱)، که این تأثیر و تأثرات به صورت اندام‌وار و منظم به تاسی از اندیشه‌ی بشری (به منظور خلق فضاهای زیستی مناسب و دستیابی به پیشرفت و بهبود وضعیت زندگی) سبب پیدایش و استقرار سکونتگاه‌های شهری و روستایی در پهنه‌های مختلف سرزمینی گردیده است. این کانون‌های انسانی شهر و روستا علاوه بر اینکه محل تجمع جمعیت، سرمایه، اقتصاد و فرهنگ با تکیه بر تحرک و پویایی درونی هستند؛ به صورت ارگانیک در قالب یک سیستم هماهنگ با دیگر کانون‌های جمعیتی دور و نزدیک خود دارای ارتباط و پیوند متقابل می‌باشند. از این‌رو «رشد جمعیت، شهرگرایی شتابان و بازده‌های نزولی کشاورزی برای دهقانان خرد به ویژه در جوامع در حال توسعه نشانگر آن است که تعامل و پیوندهای روستایی-شهری در اقتصاد محلی و نحوه معیشت تعداد کثیری از مردم، نقشی مهم و رو به گسترش ایفا می‌نماید» (سعیدی، ۱۳۸۱: ۸۴).

این روابط و مناسبات روستایی-شهری که از مهم‌ترین جریانات تأثیرگذار در شکل‌بخشی به فضاهای ناحیه‌ای است در گذر زمان و به تبعیت از فرایند عقلانی‌شدن و تحول در شیوه معیشت افراد، رشد جمعیت و استفاده از تکنولوژی، برنامه‌ها و سیاست‌های اقتصادی-اجتماعی دولت‌ها در بطن توجه و یا عدم توجه به هر یک از این کانون‌های جمعیتی دستخوش تغییرات و دگرگونی‌های اساسی شده است. به طوریکه بر پایه مطالعات و تحقیقات اندیشمندان خارجی و داخلی روند روابط و مناسبات شهری-روستایی در کشور ایران به گونه‌ای بوده که: در گذشته «شهر یا مرکز ناحیه فرایندی از کلیه تحولات، خواسته‌ها و نیازهای ناحیه بوده که به صورت یک جامعه انسانی با افزایش جمعیت بیش‌تر و یکسری برتری‌های نسبی خود را به صورت انتزاعی به ثبت می‌رساند» (نظریان، ۱۳۸۸: ۲۱۰). به-عبارت دیگر تحقیقات به انجام رسیده در زمینه درک علل و پیامدهای حاصله از روابط شهر و روستا اغلب به این نکته منتهی می‌شده است که: این‌گونه روابط عمدتاً و طور پیوسته بر تحمیل نوعی ویژه از «روابط سلطه» با ماهیت «استثماری» از سوی شهرها بر محیط‌های روستایی پیرامون استوار بوده است (افراخته، ۱۳۸۰: ۵۲-۵۱).

قریب به اتفاق این تحلیل‌ها در قالب نوعی تفکر «مرکز-پیرامون»^۱ در درون مرزهای ناحیه و در راستای تبیین نظریاتی همچون «سرمایه‌داری بهره‌بری»^۲، «روابط انگلی»^۳ و «دولت و شهرنشینی»^۱ که

1. Theory Core - Periphery
2. Rent - Capitalism
3. Ascendency Interaction

همه بازگوکننده برتری و تسلط اقتصادی-اجتماعی روزافزون شهرهای ایران نسبت به روستاهای پیرامونی آنها بوده، به رشته تحریر درآمده است. نهایتاً روابط شهر و روستاهای ایران در گذشته عمدتاً در قالب «روابط سنتی مالکیت در نواحی روستایی، نظام پیش فروش محصولات زراعی و سرمایه‌گذاری سرمایه‌داران شهری در تولید صنایع دستی روستاها صورت می‌گرفته است» (اهلرز، ۱۳۸۰: ۲۵۳).

در دهه‌های اخیر و به دنبال وصل شدن سیستم سیاسی و اقتصادی-اجتماعی کشور به نظام سرمایه‌داری جهانی، اصلاحات ارضی و تبدیل نفت به مهم‌ترین منبع مازاد اقتصادی در سطح ملی و همچنین کاهش نقش کشاورزی در تولید داخلی و صادرات، این وضعیت باعث برهم خوردن رابطه متعادل شهر و روستا در کشور شد (حسامیان و همکاران، ۱۳۸۵: ۵۰-۴۹). به نحوی که روند رو به افزایش جمعیت شهرها؛ باعث به وجود آمدن نقاط ثقل و شبکه‌ای از مکان‌های مرکزی یا شهرهای بزرگ و کوچک با تجمعی از امکانات، تسهیلات و سرمایه در سطوح مختلف نواحی گردید (پاپلی‌یزدی و همکاران، ۱۳۸۲: ۲۳۲). بدین منوال فاصله زندگی شهری از حیات روستایی در تمام ابعاد بیش‌تر شد. این موضوع موجب تشدید نابرابری‌های مکانی-فضایی در این کانون‌ها و بالطبع عقب‌افتادگی بخش‌هایی بسیاری از نواحی سرزمین گردید (حسینی‌حاصل، ۱۳۷۸: ۹۴). این جدا افتادگی و عدم توازن میان سکونتگاه‌های ناحیه سبب برتری سلطه‌جویانه شهر و وابستگی روزافزونی روستاها به شهرها به لحاظ اجتماعی-فرهنگی، تجارت، بازار و سرمایه‌گذاری، مصرف و رفع نیازمندی‌ها، خدمات زیربنایی و معیشتی گردید. بنابراین کانون‌های شهری توانستند به واسطه مکانیزم‌های تغییر شکل یافته قدرت سیاسی و اقتصادی-اجتماعی که در اختیار داشتند، همچون گذشته نقاط روستایی اطراف خود را در قالب اشکال نوین همچون:

- ۱- روابط مالکیت سنتی و قدیمی با شکل تغییر یافته آن بعد از اصلاحات ارضی؛
- ۲- تسلط تجاری روزافزون شهرها با تکیه بر افزایش درآمد ملی؛
- ۳- بهره‌برداری وسیع و متمرکز از نیروی انسانی روستاها در شهر؛
- ۴- نقش اداری و خدماتی روبه‌تزايد شهرها» (نظریان، ۱۳۷۴: ۱۴۴) تحت نفوذ و سیطره خود قرار بدهند. جدا از همه نکات منفی مطرح شده پیرامون چگونگی رابطه شهر و روستا می‌توان نوشت: عرصه‌های سکونتگاهی شهری و روستایی به‌عنوان دو عنصر جغرافیایی که از درهم‌تنیدگی عناصر فضایی و کالبدی

^۱ . این تئوری برگرفته از نظریات اندیشمندان آلمانی همچون هانس بوبک می‌باشد که دکتر محمدتقی رهنمایی با بسط و شرح کامل؛ آن را به صورت نظریه‌ای علمی در ارتباط با نقش مسلط دولتها در گسترش و توسعه شهرهای ایران به ویژه از بعد انقلاب مشروطیت تاکنون ارائه داده است. ر. ک: (رهنمایی، ۱۳۷۳، ۱۳۸۲ و ۱۳۸۹).

به وجود آمده‌اند نه نهادارای وابستگی‌های متقابل فضایی بوده که منجر به شکل‌گیری جریان‌ها و کنش متقابل میان آن دومی گردد (قادرمرزی، ۱۳۸۵: ۴۵)، بلکه این روابط و پیوندها در یک راهبرد توسعه یکپارچه منطقه‌ای به‌عنوان ابزاری برای کاهش فقر روستایی، ایجاد پیوند فضایی میان فعالیت‌های کشاورزی و بازارهای مصرف، توسعه ظرفیت ارائه خدمات و ایجاد مشارکت میان بخش‌های دولتی و خصوصی، جذب نیروی مازاد بخش کشاورزی در بخش‌های صنعت و خدمات می‌تواند موجبات توانمندسازی روستاییان و جلوگیری از مهاجرت آنان به شهرها را فراهم بیاورد (Overbeek and Tomas, 2005; et, 2005). همچنین اینگونه روابط متقابل موجب «شهرگرایی در نواحی روستایی» به واسطه حرکت جمعیت و افراد از شهرها به روستاها، گسترش و پخش ایده‌ها و شیوه‌های زندگی شهری در نواحی روستایی شود و در روند تحولات جمعیتی این نواحی ایجاد دگرگونی نماید (رضوانی، ۱۳۸۱: ۸۶-۸۵). بنابراین روابط شهر و روستا و نحوه تعاملات بین آنها تأثیر بسزایی در تغییرات اجتماعی-اقتصادی و جمعیتی از جمله افزایش و یا کاهش مهاجرت، رشد جمعیت، رفع و یا کثرت فقر، اشتغال، تغییر در ساختار فرهنگی و مهم‌تر از همه برقراری تعادل و یا عدم تعادل میان اجزا و خرده سیستم‌های (انسانی-طبیعی) موجود در درون ناحیه دارد. از این رو لازم است در تمام سطوح برنامه‌ریزی اعم از ملی، منطقه‌ای و محلی ضمن تلاش به منظور برقراری تعادل‌های محیطی در بین کلیه اجزا درونی و بیرونی ناحیه، با نگرشی یکپارچه به شهر و روستا، روابط و پیوندهای فضایی میان این دو کانون سکونتگاهی به صورت سیستماتیک در جهت دستیابی به یکپارچگی کارکردی و توسعه پایدار ناحیه مورد مطالعه و بررسی قرار بگیرد. (شکل ۱).



شکل ۱- ساختار روابط سالم و متعادل شهر و روستا در راستای توسعه پایدار ناحیه‌ای

مأخذ: با اضافات و تخلص از شمس‌الدینی، ۱۳۸۷: ۴۶.

۳- یافته‌های پژوهش

۳-۱- روابط متقابل روستاهای مورد مطالعه با شهر مرودشت

۳-۱-۱- روابط اقتصادی

با توجه به داده‌های مربوط به قیمت اراضی زراعی- مسکونی در روستاهای مورد مطالعه: به تناسب تعداد جمعیت و فاصله روستاها از شهر مرودشت میانگین قیمت‌ها دچار دامنه حداقلی و حداکثری می‌شود. بطوریکه بالاترین قیمت اراضی زراعی و مسکونی متعلق به روستای کناره می‌باشد که در حاشیه مرودشت واقع شده است. هر چند زمین‌های زراعی و باغی در دو روستای مورد مطالعه دیگر به لحاظ بازدهی و میزان تولید محصول مرغوب‌تر از روستای کناره می‌باشند؛ ولی عامل نزدیکی فاصله به شهر به عنوان فاکتوری تأثیرگذار سبب افزایش قیمت اراضی در این روستا نسبت به دو روستای دیگر شده است. در این راستا؛ نتایج بررسی میانگین سطح درآمد خانوار در روستاهای مورد مطالعه گواه از افزایش و کاهش محسوس سطح درآمدها با توجه به میزان افزایش و یا کاهش رابطه فی‌مابین و فاصله از مرودشت دارد. به‌طوریکه روستای کناره که دارای بیش‌ترین ارتباط متقابل و بدهستان‌های تجاری، مالی و خدماتی با شهر هستند؛ بالاترین سطح درآمد را نسبت به دو روستای دیگر دارند. (جدول ۲).

جدول ۲- میانگین قیمت اراضی زراعی- مسکونی، متوسط درآمد و تعداد وسائط حمل نقل

روستاهای مورد مطالعه با تکیه بر عامل فاصله از شهر مرودشت در سال ۱۳۸۸

مجدآباد	فتح آباد	کناره	شرح
۱۲۰۰۰	۷۰۰۰	۵۰۰۰	فاصله به متر تا مرودشت
۱۴/۰۰۰/۰۰۰/-	۲۰/۰۰۰/۰۰۰/-	۳۰/۰۰۰/۰۰۰/-	ارزش زمین زراعی در هکتار به میلیون تومان
۴۰/۰۰۰/-	۶۰/۰۰۰/-	۱۰۰/۰۰۰/-	میانگین قیمت هر متر زمین مسکونی به هزار تومان
۳۵۰/۰۰۰/-	۴۰۰/۰۰۰/-	۴۵۰/۰۰۰/-	متوسط درآمد خانوار روستایی
۱۲	۱۶	۳۵	تعداد وسایل ارتباطی روستا با مرودشت

مأخذ: مطالعات میدانی، ۱۳۸۸

به لحاظ اقتصادی ساکنین شهر مرودشت در زمینه‌های تأسیس و راه‌اندازی بخش‌های خدماتی همچون ساخت نانوايي، داروخانه و مدارس خصوصی، احداث منزل مسکونی و نیز تأسیس گاوداری‌های صنعتی و نیمه‌صنعتی در روستاهای مورد مطالعه سرمایه‌گذاری‌های مختصری نموده‌اند. در این بین باز هم بیش‌ترین بخش از سرمایه‌گذاری‌ها به ترتیب مربوط به روستاهای کناره و فتح‌آباد بوده است که دارای بیشترین جمعیت، مصرف و بالطبع ارتباط متقابل با مرودشت هستند. چرا که این

بده بستان‌های تجاری بین ساکنین این دو روستا با شهر خود موجب جلب اعتماد بازاریان و تجار شهری و به تبع جذب این سرمایه‌گذاران به روستاها به منظور راه‌اندازی و ایجاد کارگاه‌های تولیدی-خدماتی در این فضاها سکونتگاهی شده است. البته ناگفته نماند قریب به ۸۰ درصد از افراد سرمایه-گذار سود و درآمد حاصله از سرمایه‌گذاری خود را از روستاها خارج نموده و در بخش‌های بازار، زمین و مسکن شهری (مرودشت و شیراز) مجدداً پس‌انداز و سرمایه‌گذاری نموده‌اند. بنابراین در عین ورود سرمایه‌ها به این روستاها در طی زمان با چرخه‌ای از خروج سود و حتی اصل سرمایه‌ها از روستاها توسط سرمایه‌گذاران شهری روبرو هستیم. (جدول ۳).

جدول ۳- میزان و تعداد سرمایه‌گذاری ساکنین شهر مرودشت در روستاهای مورد مطالعه

تعداد سرمایه‌گذار			میزان			معرف‌های اقتصادی	سرمایه‌گذاری ساکنین شهری
مکان مورد بررسی			مکان مورد بررسی				
مجدآباد	فتح‌آباد	کناره	مجدآباد	فتح‌آباد	کناره		
۵	۱۴	۱۱	کم	زیاد	تاحدودی	خرید و فروش زمین زراعی	
-	۳	-	خیلی کم	کم	خیلی کم	خرید و فروش باغها	
۱	۱۷	۱۲۶	خیلی کم	تاحدودی	خیلی زیاد	خرید و فروش مسکن	
۳	۱	۱۸	تاحدودی	کم	زیاد	سرمایه‌گذاری در گاوداری	
-	-	-	خیلی کم	خیلی کم	خیلی کم	سرمایه‌گذاری در مرغداری	
-	۱	۲	خیلی کم	خیلی کم	کم	سرمایه‌گذاری در صنایع کارگاهی	
-	-	-	خیلی کم	خیلی کم	خیلی کم	سرمایه‌گذاری در صنایع دستی	
-	-	-	۲۰۰/۰۰۰ تومان	۸۰۰/۰۰۰ تومان	۲/۰۰۰/۰۰۰ تومان	میزان سرمایه‌های وارد شده	

مأخذ: مطالعات میدانی، ۱۳۸۸

در این ارتباط متقابل روستا-شهری؛ ۷۴ درصد از ساکنین روستاهای مورد مطالعه بالأخص روستای «کناره» در زمینه‌های خرید فروش و تهیه زمین و مسکن شهری، مغازه در شهر، خرید سهام در شهرک صنعتی انجیره، مهدیه، کارخانه لبنیاتی شهر، خرید ماشین‌آلات سنگین و تأسیس دامداری‌های نیمه‌صنعتی در روستای کناره و روستاهای پیرامون سرمایه‌گذاری‌های نسبتاً فراوانی را انجام داده‌اند. همچنین ساکنین روستاهای فتح‌آباد و مجدآباد نیز در بخش‌های زمین، مسکن و بازار شهر مرودشت سرمایه‌گذاری

نموده‌اند. بدین‌منوال شاهد نوعی خروج سرمایه مادی به همراه نیروی انسانی متخصص از روستاها به سمت شهر و تجمع و پس‌انداز آن در ناحیه و به نفع جامعه شهری مرودشت می‌باشیم. البته بخش کمی از سود حاصل از سرمایه‌گذارها در جریان ارتباطات فی‌مابین ساکنین شهر و روستاها به صورت خرید محصولات تجملی و مصرفی (خودرو، طلا، لوازم خانگی و گاهاً ادوات کشاورزی) و یا هزینه تحصیل و درمان خانواده‌روستایی؛ از شهر به سمت روستاها باز گردانده می‌شود.

به لحاظ فروش محصولات و تولیدات زراعی و دامی؛ در یک بده‌بستان تجاری متقابل شرکت‌های تعاونی دولتی و خصوصی موجود در روستاهای مورد مطالعه به نمایندگی از نهادها و سازمان‌های دولتی و خصوصی مستقر در شهر تولیدات عمده روستائیان به ویژه گندم، ذرت و شیر را به قیمت تضمینی و یا توافقی خریداری می‌نمایند و در مراکز مصرف شهر مرودشت و شیراز به فروش می‌رسانند. در این راستا عملکرد شرکت‌های تعاونی دامداری در جمع‌آوری شیر و گوشت تولیدی دامداری روستائیان و فروش آن به کارخانه‌های شیر و گوشت مرودشت و شیراز و نیز قصابی‌های مرودشت نمود بارزی از رابطه دوسویه شهر و روستاهای مورد مطالعه می‌باشد.

بررسی‌های انجام شده در خصوص اولویت مراجعه جهت تهیه مواد مصرفی مورد نیاز اهالی روستاهای مورد مطالعه حاکی از آن است که: به غیر از اقلام مصرفی روزانه روستائیان؛ منجمله خواروبار و مواد غذایی (آنها در حدود ۴۰ درصد از افراد)، اکثریت قریب به اتفاق روستائیان ۹۰ درصد از ضروریات مورد نیاز زندگی خود همچون موارد: مصرفی، پوشاک، البسه، لوازم خانگی و بهداشتی، نوشت افزار، آرایشی، و مایحتاج رفاهی - تفریحی و مصالح ساختمانی - تزئینی خود را از بازار شهر مرودشت و شیراز تهیه می‌کنند. که در این روند به دلیل ارزان و متنوع بودن این‌گونه اجناس در شهر؛ با استقبال فراوان روستائیان مواجه شده است. از این‌رو ضمن خروج پول از روستاها به طرف مرودشت شاهد وابستگی هر چه بیش‌تر روستاها به ویژه روستای مجدآباد که دارای کمترین مغازه و بدون بازار فروش است، به شهرها و بالطبع سلطه اقتصادی همه جانبه مرودشت بر روستاها هستیم (جدول ۴).

در این راستا گاهاً مشاهده می‌گردد که تعدادی از روستائیان با بعضی از کسبه و تجار شهری (به ویژه صنف پوشاک و لوازم خانگی) به صورت اعتمادی و طرف حساب اجناس و اقلام مورد نیاز خود را به شیوه نسبه خریداری می‌نمایند. این شکل از خرید در گذر زمان ضمن به زیر قرض بردن روستایی موجبات سلطه و نفوذ شهرنشینان بر روستائیان را فراهم می‌آورد. البته این شیوه از خرید و فروش در روستاها به طور واضح و ملموس‌تر رایج می‌باشد. به نحوی که نحوه معامله و فروش اقلام

مغازه‌داران و فروشنده‌های موجود در روستاها به اهالی محل با ۵۳ درصد فراوانی به صورت فروش نسیه‌ای و قرض می‌باشد.

جدول ۴- مکان خرید وسایل و مایحتاج ساکنین روستاهای مورد مطالعه

کالاها روستا	لوازم خانگی	مواد غذایی (خواروبار)	پوشاک و البسه	لوازم آرایشی - بهداشتی	کتاب و نوشت افزار	مصالح ساختمانی
کناره	مرودشت	کناره/ مرودشت	مرودشت / شیراز	کناره/ مرودشت/ شیراز	مرودشت/ شیراز	کناره/ مرودشت
فتح آباد	مرودشت	فتح آباد/ مرودشت	مرودشت / شیراز	مرودشت/ شیراز	مرودشت/ شیراز	فتح آباد/ کناره/ مرودشت
مجد آباد	مرودشت	مجدآباد/ مرودشت	مرودشت / شیراز	مرودشت/ شیراز	مرودشت/ شیراز	مرودشت

مأخذ: مطالعات میدانی، سال ۱۳۸۸

در نهایت از بازار شهر مرودشت می‌توان به‌عنوان پیوند دهنده اصلی شهر و روستاهای ناحیه به یکدیگر نام برد. بنحویکه رابطه اقتصادی با تکیه بر بازار مرکزی شهر عاملی مهم برای بوجود آمدن روابطی سیستماتیک میان شهر مرودشت و روستاهای پیرامونی آن شده است، به گونه‌ای که بازار با گسترش و بسط سیستم پولی؛ روستاها را وارد چرخه تعامل اقتصادی-اجتماعی با دنیای خارج از محیط روستا کرده؛ که این دسترسی سریع‌تر روستائیان به بازار و اعتبارات حاصله از دادوستد منتج از قواعد بازار، ضمن افزایش تقاضا برای مصرف‌گرایی در روستاها و سوق دادن بسیاری از خانواده‌ها به سوی تجمل‌گرایی؛ توانسته با مکانیزم‌های مبادلاتی خود موجبات افزایش درآمد تعدادی از روستائیان ساکن در روستاهای دارای اقتصاد تولیدی پویا منجمله کناره را فراهم آورده و به مرور با رشد و ایجاد رفاه، سبب توسعه‌یافتگی نسبی این روستاها گردد. اما نکته‌ای که در این بین مهم می‌باشد، وابستگی قابل توجه روستاهای کوچک و اقماری دارای نظام معیشتی ضعیف به شهر مرودشت، به همراه مهاجرت افراد و خروج سرمایه‌های آنان به سوی این‌گونه کانون‌های بزرگ جمعیتی می‌باشد.

۳-۱-۲- روابط اجتماعی- فرهنگی

به لحاظ اجتماعی جریان رفت و آمد و کنش متقابل ساکنین روستاهای مورد مطالعه به ویژه روستای «کناره» با شهر مرودشت به صورت نظام‌وار و بسیار بالا است. به طوری که بیش از نیمی از روستائیان روزانه برای انجام کارهای اداری، آموزشی، بهداشتی، خرید، تفریح و گذران اوقات

فراغت و به ویژه دیدار از خویشاوندان خویش وارد شهر مرودشت و حتی شیراز می‌شوند. در این راستا قشر جوان و تحصیلکرده روستاها (به ویژه آقایان) دارای بیشترین جریان حرکتی به سمت شهرها هستند. آنچه که در این بین مهم است؛ تأثیرپذیری اجتماعی- فرهنگی روستاییان (جوانان) از آداب، رسوم، هنجارها و فرهنگ شهر می‌باشد. که نمود بارز آن را می‌توان در تغییر نحوه پوشش، رفتار و عدم پیروی بسیاری از روستائیان از آداب و رسوم موجود در روستاها مشاهده نمود. به طور کلی در طی سالیان اخیر و با بسط دامنه ارتباطات اجتماعی روستائیان با شهرهای پیرامون بالأخص شیراز و مرودشت بیش از ۸۰ درصد از دختران و زنان ساکن در روستاهای مورد مطالعه پوشش محلی خود را کنار گذاشته و از لباس‌های مرسوم در پوشش شهری استفاده می‌کنند.

از جنبه وجود امکانات رفاهی و فرهنگی- تفریحی؛ چون هر سه روستا به ویژه «مجدآباد» از کمبود این گونه خدمات رنج می‌برند؛ بیش از ۶۵ درصد از ساکنین این روستاها (جوانان) جذب مراکز تفریحی و فرهنگی شهر مرودشت و حتی شیراز می‌شوند. که این خود در گذر زمان و به تدریج سبب تغییر در نحوه رفتار، پوشش و عملکرد فکری و فرهنگی- اجتماعی روستائیان گشته است. در این میان روستای «کناره» به دلیل فاصله نزدیک و افزایش ارتباط متقابل که با شهر مرودشت و به ویژه دانشگاه آزاد اسلامی دارد، به نحو چشمگیری و بیشتر از دو روستای دیگر متأثر از فضای اجتماعی- فرهنگی ساکنین شهر شده است و شاهد نوعی تغییر و دگرگونی فرهنگی- اجتماعی در نحوه رفتار و نگرش اهالی روستا در زمینه‌های تقلید، مصرف‌گرایی و حتی تبلیغ هنجارها و عرف‌های ناهمخوان با فرهنگ این روستا هستیم. به لحاظ وجود اماکن تاریخی و مذهبی نیز؛ روستای کناره به سبب وجود امامزاده همه ساله از روستاهای اطراف و شهر مرودشت پذیرای زائرین فراوانی به ویژه در ماههای محرم و رمضان می‌باشد که این باعث ارتباط مستحکم مذهبی میان ساکنین شهر و روستا می‌شود. این برخوردهای چهره به چهره ضمن برقراری مراودات انسانی بین ساکنین روستا با زائرین شهری و روستاهای ناحیه باعث ورود درآمد به سمت روستا گردیده است.

همچنین به دلیل سکونت افراد و گروه‌ها با قومیت و فرهنگ‌های متفاوت بایکدیگر در روستای «کناره» و نیز بالا بودن تعداد جمعیت؛ این روستا از انسجام و مشارکت اجتماعی کمتری نسبت به دو روستای دیگر برخوردار است و فقط در برگزاری مراسمات ایام مذهبی (محرم، رمضان) و یا مراسمات فاتحه و جشن‌های ازدواج شاهد به وجود آمدن جریان ضعیفی از همبستگی اجتماعی بین اهالی و ساکنین این سکونتگاه هستیم. بالعکس ساکنین روستاهای فتح‌آباد و مجدآباد چون دارای یک و یا دو قومیت همگن و فرهنگ اجتماعی مشترک هستند، دارای بیشترین انسجام، تعامل و مشارکت اجتماعی در تمام زمینه‌ها با یکدیگر

می‌باشند. به‌طوریکه در هنگام برگزاری انتخابات (شورای روستا و مجلس شورای اسلامی)، تجانس و هماهنگی اجتماعی در این دوروستا باعث افزایش حس مشارکت و سرمایه اجتماعی روستاییان و بالطبع بهره‌برداری سیاسی - اقتصادی آنها از فرایند حاکم بر فضای انتخابات در ناحیه و شهرستان شده است. در مقابل به هنگام انتخابات در روستای کناره نوعی تضاد و کشمکش نامحسوس بین روستاییان همراه با کاهش سرمایه و اعتماد اجتماعی به نفع جریان سیاسی حاکم در شهر به وجود می‌آید. (جدول ۵).

جدول ۵ - میزان رابطه متقابل محورهای اجتماعی - فرهنگی ساکنین روستاهای مورد مطالعه با شهر مرودشت

روابط	معرف های اجتماعی - فرهنگی	میزان		
		مکان مورد بررسی		
		کناره	فتح آباد	مجد آباد
الگوهای فرهنگی	گرایش به استفاده از کالاهای بادوام	خیلی زیاد	خیلی زیاد	خیلی زیاد
	گرایش به استفاده از پوشاک شهری	خیلی زیاد	زیاد	زیاد
	گرایش به استفاده از غذاهای غیر محلی	خیلی زیاد	زیاد	زیاد
شاخص های اجتماعی	گرایش به رفت و آمد زیاد به شهر	خیلی زیاد	خیلی زیاد	خیلی زیاد
	انسجام اجتماعی در روستا	تاحدودی	زیاد	زیاد
	وجود مراکز خدمات اجتماعی	کم	تاحدودی	تاحدودی
	مهاجرت روستائیان	کم	کم	کم

مأخذ: مطالعات میدانی، ۱۳۸۸

بر اساس داده‌های به دست آمده، بیش از ۴۰ درصد از پرسش‌شوندگان ساکن در روستای کناره حس تعلق مکانی - فرهنگی مستحکم به روستای محل سکونت خود نداشته‌اند و به دلیل پایین بودن هزینه زندگی منجمله ارزان بودن زمین و مسکن در این روستا و نیز دسترسی به شهر مرودشت در این کانون جمعیتی سکنی گزیده‌اند و در صورت مهاجرت مایل به زندگی در مرودشت و شیراز می‌باشند. بالعکس ساکنین روستاهای فتح‌آباد و مجدآباد دارای حس تعلق مکانی بالایی به خاک، زادبوم و روستای مادری خویش علیرغم ارتباط گسترده‌ای که با مرودشت دارند، هستند. و همواره این احساس و روحیه انسجام و مشارکت‌پذیری را در جهت یکپارچگی روستا و دستیابی به اهداف عالی توسعه روستای خویش به کار می‌گیرند. به غیر از موارد ذکر شده بخشی از مراجعات میان روستاها و شهر مرودشت در منطقه مورد مطالعه، مربوط به عامل ازدواج بوده است. در این زمینه باید چنین گفت که به دلیل وجود آمیزه‌های فرهنگی مشترک و مشابه چون زبان، آداب و رسوم و غیره، عامل ازدواج از عوامل مهم ایجاد پیوند و ارتباط بین مناطق روستایی و شهری شهرستان بوده است. بررسی‌ها نشان می‌دهد که در حال حاضر روابط ایجادشده برپایه عامل ازدواج بین ساکنین روستای کناره و شهر مرودشت به دلیل نزدیکی فاصله و داشتن ارتباطات اجتماعی مستحکم‌تر بیش از دو روستای دیگر بوده است.

۳-۱-۳- روابط کالبدی-فضایی

همان‌طور که گفته شد مرودشت با گسترش سریع و بی‌رویه و نیز با افزایش جمعیت خود به واسطه جذب مهاجرین از کلیه نقاط شهرستان در طی دهه‌های اخیر از نظر کالبدی در جهات مختلف رو به توسعه بوده است و در این فرایند گسترش فیزیکی، روستاهای فراوانی را به درون فضای درونی خود هضم و ادغام نموده است. حال؛ با توسعه فضای شهر به سمت روستاهای فیروزی، «کوشک» و بالأخص «کناره» با نوعی فرایند خزش شهری روبه‌رو هستیم. به طوری که روستای کناره عملاً با واقع شدن در حاشیه شهر مرودشت از ابعاد فرهنگی، اجتماعی، تولیدی-اقتصادی و نحوه ساخت و ساز و شکل کالبدی مسکن با شهر هم شکل گشته است. همچنین تعدادی از مهاجرین وارد شده به روستاهای مورد مطالعه، به ویژه کناره و فتح‌آباد به دلایلی چون فاصله کم روستاها از شهر، پایین بودن قیمت زمین و مسکن در این روستاها در قیاس با مرودشت و نیز سهولت دسترسی استفاده از خدمات بهداشتی-آموزشی موجود در شهر به این روستاها مهاجرت و نقل مکان نموده‌اند.

از منظر نوع مسکن، در این روستاها به دلیل افزایش دامنه ارتباط و تعاملات روستاییان با شهر و اطلاع یافتن از سبک‌ها و الگوهای ساختمان‌سازی و نیز دخالت نهادهای دولتی همچون بنیاد مسکن در شکل مسکن و عرصه‌های کالبدی روستاها با یک دگرگونی و تحول اساسی در فضای هر سه روستا به تبعیت و تقلید از الگوهای کالبدی شهر مرودشت و حتی شیراز روبه‌رو هستیم. (عکس ۱ و ۲). در این میان فرایند اجرای طرح هادی در روستاها خود مزیدی بر این تجانس و هماهنگی کالبدی- فیزیکی عرصه روستاها با شهر مرودشت و میل به ایجاد افزایش روابط متقابل بین این سکونتگاه‌ها شده است.



تصویر ۱ - تقلید و استفاده از شکل و نمای ساختمان‌های شهری در روستای فتح‌آباد



تصویر ۲- تقلید و استفاده از شکل و نمای ساختمان‌های شهری در روستای کناره

۳-۱-۴- روابط اداری-سیاسی

شهرها با توجه به نقشی که در خدمات‌رسانی و جذب مهاجرین از نقاط پیرامون خود داشته‌اند، و نیز میل به تمرکزگرایی شدید در بین مدیران کشور در طول تاریخ، با تجمع‌گزینی ادارات و سازمان‌های سیاسی در این نقاط همراه بوده است. از این رو می‌توان از کارکردهای اداری-سیاسی به عنوان مشخص‌ترین ویژگی و عملکرد فضایی شهرها نام برد. در این راستا شهر مرودشت از زمان تأسیس در سال ۱۳۱۴ ه.ش تاکنون با تجمع‌گزینی ادارات، سازمان‌ها و کلیه نهادهای دولتی در خود به عنوان تنها کانون و مرکز مراجعه روستائیان شهرستان برای انجام کارهای اداری-سیاسی مطرح بوده است. به طوری که شهر مرودشت مرجع حرکت بسیاری از مراجعات روستائیان مورد مطالعه در جهت انجام اموری چون پرداخت قبوض، عوارض، دریافت و تعویض شناسنامه، امور اداری مربوط به آموزش و پرورش، درمانگاه‌ها و شبکه‌های بیمه و درمانی، پاسگاه انتظامی و رسیدگی به شکایات، امور مربوط به اسناد، محضر و مراجعه به ادارات برق، گاز، جهاد کشاورزی، بخشداری و بسیاری از این قبیل موارد از هر سه روستای مورد مطالعه بوده است. از جمله دیگر اثرات قابل توجه؛ تجمع نهادهای سیاسی در شهر، فراهم شدن زمینه‌های اشتغال و جذب بخشی از نیروی کار جویای کار از مناطق مختلف شهرستان به ویژه نقاط روستایی مورد مطالعه بوده است. که این امر موجبات شلوغی و تجمع جمعیت در شهر در ساعات اداری و نیز افزایش میل به مهاجرت به مرودشت می‌شود. به عبارت دیگر کارکرد سیاسی-اداری رو به تزاید مرودشت و همچنین جریان حرکتی روستائیان به سمت شهر در جهت رفع این گونه نیازمندی‌ها سبب افزایش ارتباط متقابل روستاهای مورد مطالعه با شهر و بالطبع تسلط روزافزونی مرودشت از جنبه اداری-خدماتی بر روستاها شده است.

۴- نتیجه‌گیری

در این پژوهش که با رویکردی کاربردی در راستای تحلیل ارتباطات فضایی شهر مرودشت با روستاهای پیرامونی انجام گرفته است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که: مرودشت به عنوان یک شهر میانی در استان و قطبی بزرگ به لحاظ تجمع امکانات، سرمایه و نیروی انسانی در منطقه ضمن تسلط نسبی بر ناحیه دارای ارتباطی تنگاتنگ و دوسویه با نواحی روستای پیرامون خود می‌باشد. بعبارت دیگر و به لحاظ اقتصادی-اجتماعی مرودشت با خرید محصولات تولیدی (زراعی-دامی) روستائیان به واسطه افراد، شرکت‌های واسطه دولتی و خصوصی و فروش آنها در بازار شهر و نیز تهیه و ارائه مایحتاج رفاهی-معیشتی روستائیان تسلط و برتری خود را بر ناحیه پیرامون به اثبات رسانیده است. در کنار این وابستگی، شهر با مکانیزم‌های کارکردی خود توانسته ضمن فراهم نمودن شرایط نسبی رشد و پویایی روستاها موجبات تغییرات و دگرگونی‌های فرهنگی-اجتماعی و کالبدی-فضایی این کانون-های سکونتگاهی را سبب گردد. از سوی دیگر ساکنین روستاهای مورد مطالعه نیز با رفت و آمد و برقراری مراودات اجتماعی-فرهنگی، بده‌بستان‌های تجاری و سرمایه‌گذاری در بخش‌های تولیدی، بازار و مسکن شهری مرودشت زمینه‌های پویایی اقتصاد شهر و توسعه روستای خود را ضمن «وابستگی به شهر» به طور نسبی فراهم نموده‌اند.

به لحاظ برقراری جریان‌های اداری-خدماتی؛ این شهر مرودشت است که به دلیل تجمع ادارات، نهادها و مهم‌ترین فضاهای آموزشی-بهداشتی شهرستان در خود رابطه‌ای یک سویه با روستاها برقرار نموده است. البته در این روند وابستگی و ارتباطات روستایی-شهری در ناحیه، روستاهایی همچون «کناره» که دارای جمعیت بیشتر و در حاشیه شهر واقع شده‌اند از منظر فرهنگی-اجتماعی به شهر وابسته‌تر از جنبه‌های اقتصادی-خدماتی بوده‌اند. بالعکس روستاهای دور از مرکز شهر و کوچکتر همچو «مجدآباد» از وابستگی بیشتری از جنبه‌های خدماتی-اقتصادی برخوردار بوده‌اند و به لحاظ اجتماعی همگن‌تر و با داشتن روحیه مشارکت پذیری بالا دارای انسجام، اعتماد و سرمایه اجتماعی افزون‌تری نسبت به دیگر روستاهای مورد مطالعه بوده‌اند.

۵- پیشنهادها

-اعمال نگرشی ناحیه‌ای در برنامه‌ریزی شهری و روستایی بر اساس مکمل بودن سکونتگاه‌های انسانی و نه تلقی روستاها به عنوان راهبردی جهت رفع مشکلات شهری؛

-احیاء و ایجاد نظام سلسله‌مراتب سکونتگاهی جهت روابطی متعادل و منطقی بین شهر و روستاها و نه رابطه سلطه‌گرایانه، از طریق افزایش نقش‌پذیری کانونهای مرکزی روستایی؛

-تقسیم کار مناسب جهت تعیین جایگاه هر روستا در رابطه شهر و روستا، با تکیه بر استعدادها و قابلیت‌های طبیعی و انسانی به ویژه فعالیتهای کشاورزی و صنایع تبدیلی در روستاها؛

-تقویت قابلیت‌ها و تواناییهای شهر مرودشت جهت ایفای کارکردهای اقتصادی - اجتماعی و خدماتی به منظور سرویس دهی منظم به روستاهای پیرامون خود؛

-ساماندهی ساز و کار خدمات‌رسانی امکانات در بخش‌ها و دهستانهای شهرستان در جهت ایجاد تعادل در توزیع منابع و امکانات رفاهی - معیشتی در همه سطوح سلسله‌مراتبی ناحیه؛

-تشکیل و ایجاد بازارهایی با مقیاس محلی و ناحیه‌ای، برای جلوگیری از خروج مازاد تولیدات و سرمایه مادی از روستاهای ناحیه؛

-افزایش سطح دانش و فرهنگ روستائیان با تکیه بر انجام سرمایه‌گذاری فرهنگی - آموزشی در روستاهای شهرستان؛

-بهبود و تقویت سیستم شبکه‌های ارتباطی جهت تقویت پیوندهای روستا - شهری و همچنین رساندن سریعتر محصولات تولیدی روستائیان به بازار مصرف شهر.

منابع و مأخذ

- افراخته، حسن (بهار ۱۳۸۰): «روابط متقابل شهر و روستا: مطالعه موردی ایرانشهر»، مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، دور ۱۶، شیراز، شماره ۳۲، صص ۷۳-۴۹.
- ابراهیم‌زاده، عیسی و قاسم رفیعی (پاییز ۱۳۸۸): «مکان‌یابی بهینه جهات گسترش شهری با بهره‌گیری از سیستم اطلاعات جغرافیایی (GIS)، مورد: شهر مرودشت»، فصلنامه جغرافیا و توسعه، شماره ۱۵، زاهدان، صص ۷۰-۴۵.
- هلرز، اکارت (۱۳۸۰): ایران، شهر- روستا- عشایر، ترجمه: عباس سعیدی، چاپ اول، نشر منشی، تهران.
- بخشداری مرکزی شهرستان مرودشت (۱۳۸۹): آمار اطلاعاتی روستاهای بخش مرکزی، مرودشت.
- بذرافشان، جواد و طاهره بهمنی (فروردین ۱۳۸۹): «تحلیلی بر عوامل مؤثر بر مهاجرت‌های روستا - شهری در جهان اسلام، نمونه موردی: شهرستان مرودشت»، چهاردهمین کنگره بین‌المللی جغرافی دانان جهان اسلام، دانشگاه سیستان و بلوچستان، چکیده مقالات، زاهدان.
- پاپلی‌یزدی، محمدحسین و حسین رجبی‌سناجردی (۱۳۸۲): نظریه‌های شهر و پیرامون، انتشارات سمت، چاپ اول، تهران.
- حسامیان، فرخ و گیتی اعتماد (۱۳۸۵): شهرنشینی در ایران، انتشارات آگاه، چاپ پنجم، تهران.
- حسینی‌حاصل، صدیقه (۱۳۷۸): «جایگاه و نقش عملکردی شهرهای کوچک در توسعه روستایی (مورد: رزن)»، مجموعه مقالات پژوهش‌ها و قابلیت‌های علم جغرافیا در عرصه سازندگی، مؤسسه جغرافیا، تهران، صص ۱۰۹-۹۶.
- رضوانی، محمدرضا (زمستان ۱۳۸۱): «تحلیل الگوهای روابط و مناسبات شهر و روستا در نواحی روستایی اطراف تهران»، فصلنامه پژوهش‌های جغرافیایی، شماره ۴۳، تهران، صص ۸۱-۹۴.

رهنمایی، محمدتقی (بهار ۱۳۷۳): «دولت و شهرنشینی، نقدی بر نظریه عناصر شهری قدیم و سرمایه‌داری بهره‌بری هانس بوبک»، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۳۲، صص ۲۶-۱۷.

رهنمایی، محمدتقی و سهراب امیریان (پاییز و زمستان ۱۳۸۲): «مروری بر نقش دولت در گسترش و تمرکز شهرنشینی در ایران»، فصلنامه جغرافیا، سال اول، شماره ۱، تهران، صص ۴۰-۱۹.

رهنمایی، محمدتقی، علی اکبری، اسماعیل و محمد فرجی دارابخانی (بهار ۱۳۸۹): ساختارشناسی اقتصاد شهری ایران با تأکید بر نقش دولت مطالعه موردی: سرابله»، فصلنامه جغرافیا، سال هشتم، شماره ۲۴، صص ۶۷-۴۷.

سعیدی، عباس (پاییز و زمستان ۱۳۸۲): «روابط شهر و روستا و پیوندهای روستایی-شهری (یک بررسی ادراکی)»، فصلنامه جغرافیا، سال اول، شماره ۱، تهران، صص ۹۱-۷۱.

سعیدی، عباس (۱۳۸۱): مبانی جغرافیای روستایی، انتشارات سمت، چاپ سوم، تهران. شکوئی، حسین (۱۳۷۹): دیدگاه های نو در جغرافیای شهری، جلد اول، چاپ پنجم، تهران.

شمس‌الدینی، علی (۱۳۸۷): «نقش شهر نورآباد در توسعه روستاهای پیرامون، مورد: بخش مرکزی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه شهیدبهشتی، تهران.

صرافی، مظفر (۱۳۶۴): سیری در مباحث توسعه فضائی با نگاهی ویژه به طرح آمایش سرزمین، انتشارات سازمان برنامه و بودجه چاپ اول، تهران.

ضیاءتوانا، محمدحسن و علی شمس‌الدینی (تابستان ۱۳۸۹): «کارکردهای شهری در توسعه روستایی، مورد: نورآباد و روستاهای پیرامون»، فصلنامه جغرافیای انسانی، سال ۲، شماره ۳، گرمسار، صص ۶۱-۴۵.

طاهرخانی، مهدی، و عبدالرضا رکن‌الدین افتخاری (زمستان ۱۳۸۳): «تحلیل نقش روابط متقابل شهر و روستا در تحول نواحی روستایی استان قزوین»، فصلنامه مدرس، دوره ۸، شماره ۴، تهران، صص ۷۹-۱۱۱.

قادرمزی، حامد (تابستان ۱۳۸۵): «شبکه‌های منطقه‌ای نگرشی نو به توسعه منطقه‌ای»، فصلنامه مسکن و انقلاب، سال ۲۵، شماره ۱۱۴، تهران، صص ۵۳ - ۴۰.

مرکز آمار ایران (۱۳۳۵، ۱۳۴۵، ۱۳۵۵، ۱۳۶۵، ۱۳۷۵ و ۱۳۸۵): «سرشماری عمومی نفوس و مسکن شهرستان مرودشت، پایگاه داده‌های آماری ایران، تهران.

نظریان، اصغر (۱۳۷۴): روابط شهر و روستا در ایران، پیوند فضایی، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تربیت معلم، شماره‌های ۹، ۱۰ و ۱۱، تهران.

نظریان، اصغر (۱۳۸۸): پویایی نظام شهری در ایران، انتشارات مبتکران، چاپ اول، تهران.

-Overbeek. G and Vader. J (2005): Rural goods and services (RGS) in rural areas under urban pressure, paper for xx congress of European society for rural sociology, 22-27 August 2005 Keszthely – west- Balaton Hungary, pp 1-13 .

-Lynch, K. (2005): Rural-Urban Interaction in the developing world, London.

-Tomas. K (2005): A future for the Rural-Urban fringe: a new basis for developing the countryside around Towns, CUDEM, school of the built environment. Leeds metropolitan university. Leeds. LS2 8BU, pp 1-7.

-Rabinovitch, J (2001): Planning Rural-Urban Linkages in Developing abate, UNDP.

-Tacoli. C (1998) Rural - Urban interactions: A guide to the literature, Environment and urbanization. Vol 10, N1.

-Okali, d and etal (2001): rural- urban interaction and livelihood strategies eries, Working paper 4, the case of Aba and its region, southern Nigeria.